

خداشنی

که ابن سینا بزبان فارسی کرده است

جشن هزارمین سال تولد فیلسوف و حکیم شهیر ایرانی ابوعلی سینا نزدیک است و از طرف انجمن آثار ملی مقدمات کار از هر حیث فراهم آمده تا این مراسم باشکوهی هر چه تمامتر چنانکه درخور مقام این دانشمند بزرگ باشد برگزار شود و بنای مجللی بر آرامگاه او که در همدانست ساخته آید.

میخواهم در این مقاله خدمت ابوعلی سینا را بزبان فارسی باختصار شرح دهم.

بیان این موضوع البته بسیار لازم بنظر میرسد زیرا در این روزگار که غارت معنویات معمول شده است چون این فیلسوف شهیر بیشتر آثار خود را بزبان فارسی تألیف نکرده، ممکن است این امر نیز برای بازگفته ساختن حقایق دستاویزی بشود چنانکه از هم اکنون کوششی که در این راه مبذول میگردد از دور پدیدار است.

روزگاری دراز سرزمین وسیعی که ایران نامداشت مهد تمدن و فرهنگ جهان بود امروز فقط یک قسمت از آن سرزمین وسیع ایران نام دارد و وارث آن فرهنگ و تمدن عظیم شمرده میشود. جز این هر چه میگویند رنج یهوده ایست برای اثبات امر باطلی که البته بجائی نخواهد رسید، بهر حال سخن ما در این بود که ابوعلی سینا قسمت زیادی از کتب خود را بزبان عربی نوشته است؛ میخواهم در طی این مقاله مختصر نخست علت این موضوع و سپس خدمت ابوعلی سینا را بزبان فارسی بیان کنم.

در مورد نخست یک نظر اجمالی باوضاع ادبی قرن چهارم و پنجم هجری موضوع را بخوبی روشن میکند. پس از حمله عرب زبان پهلوی که زبان رسمی و ادبی ایران بود بتدریج راه فراموشی سپرد و بیش از سه قرن گذشت که باین زبان جز آثار بسیار معدودی نوشته نشد و مسلم است که اگر در زبانی آثار ادبی از نظم و نثر بوجود نیاید آن زبان بتدریج خواهد مرد چنانکه زبان پهلوی بهین علت از میان رفت و یکی از لهجه های دیگر بنام لهجه دری که زبان مردم مشرق و شمالشرقی ایران و

دنباله زبان پهلوی اشکانی بود و با لهجه پهلوی ساسانی چندان تفاوتی نداشت جای آنرا گرفت، همین لهجه است که پس از چندی بنام فارسی دری و امروز مطلقاً بنام فارسی خوانده میشود، از اواسط قرن سوم هجری که حکومت های نسیبه مستغلی در مشرق ایران، که از مرکز خلافت عباسی و کانون زبان عربی بسیار دور بود بر سر کار آمد و پادشاهان ایرانی نژاد باردیگر بسطنت رسیدند زبان دری را که زبان این ناحیه بود ترویج کردند و شاعران دربار خود را و داشتند که باین زبان شعر بگویند. یعقوب لیث سرسلسله صفاریان یعنی نخستین دودمانی که بعد از اسلام یک چند باستقلال در ایران سلطنت کردند هنگامی که محمد بن وصیف سیستانی شاعر در بارش بعربی در مدح او قصیده ای برداخت گفت چیزی که من اندر نیابم چرا باید گفت و او را وادار کرد که مدایح خود را بفارسی بگوید. از این بیعد شاعری بزبان فارسی دری معمول شد و بتدریج در قرن سوم و چهارم هجری بکمال رسید و صدسال نکذشت که بزرگترین شاعران ایران فردوسی طوسی شاهنامه خود را شروع کرد و پس از سی و پنج سال بیابان برد؛ اما در این دوره هنوز ثنویسی بزبان فارسی دری معمول نبود و ایرانیان آثار خود را بزبان عربی مینوشتند زیرا نثر بعکس شعر که زبان بیان عواطف و احساسات است وسیله ایست برای بیان معانی علمی و عقلی و در قرون اولیه اسلامی بدو دلیل زبان فارسی دری برای بیان این قبیل معانی یعنی ثنویسی آماده نبود؛ نخست از آن جهت که زبان عربی زبان دینی و رسمی کلیه مسالکی بود که دین مقدس اسلام را پذیرفته بودند و ملل مختلفی که تحت اقیاد حکومت عرب درآمده بودند همه این زبان را میدانستند و میآموختند و نویسندگان نیز آثار علمی خود را برای آنکه شیوع و رواج بیشتری پیدا کند و خوانندگان زیادتری داشته باشد بزبان عربی مینوشتند. دوم از آن جهت که زبان دری در ابتدای کار هنوز لهجه محدودی بود که برای بیان معانی مختلف علمی

لغات و ترکیبات لازم را در اختیار نداشت و از جانب دیگر استعمال لغات عربی نیز در این دوره در زبان فارسی معمول نبود و فقط عده بسیار کمی از لغات دینی و سیاسی و اداری عربی که معادلی در زبان فارسی نداشت در این زبان بکار میرفت و این محدودیت موجب می آمد که زبان دری نتواند از لغات و ترکیبات و اصطلاحات زبان عربی استفاده کند و در نتیجه قدرت بیان معانی علمی را نداشته باشد و نویسندگان ناچار کتب علمی خود را بزبان عربی بنویسند.

خود را نیز بزبان عربی می نوشتند، کتبی از قبیل شاهنامه ابو منصور، ترجمه تاریخ و تفسیر محمد بن جریر طبری رسالات محمد بن ابوب حاسب طبری در ریاضی و نجوم که در شمار قدیم ترین آثار نشر فارسی محسوب میشود همه در نیمه دوم قرن چهارم هجری نوشته شد و ابوعلی سینا نیز قدیمترین کسی است که بنشر فارسی در موضوعات علمی و فلسفی کتاب نوشت. کتاب دانشنامه علامی که ابن سینا آنرا بزبان فارسی بنام علاء الدوله کا کویه پرداخته است قدیمترین کتابی است در فلسفه که بدین زبان نوشته شده و امروز در دست است و گذشته از این کتاب چندین رساله دیگر نیز بزبان فارسی دارد. ابوعلی سینا با تصنیف این کتب و رسالات در دوره ای که هنوز نشر نوشتن در موضوعات علمی بزبان فارسی معمول نبود خدمت بزرگی باین زبان کرد. علاقه او را بزبان فارسی بیشتر از اینجا میتوان دانست که در کتب علمی فارسی خود کوشش کرده است که حتی در مقابل اصطلاحات علمی و فلسفی نیز معادلی بزبان فارسی وضع کند و از استعمال مصطلحات عربی دوری جوید. این دقت و کوشش ابوعلی سینا برای ابداع و استعمال اصطلاحات و لغات فارسی مانند سنی باطل بعضی بی خبران کم مایه امروزی نیست که میکوشند با جعل لغات نا درست و ترکیبات بار دو سست زبان شیرین فارسی را از لطافت و رسائی و زیبایی دور سازند و بعنوان تهنیت تخریب کنند؛ بلکه هر کس با آثار آن دوره آشنا باشد می داند که چون کانون زبان فارسی دری در آغاز کار دور از مرکز قدرت و نفوذ زبان عربی بود و ایرانیان در طی قرون اولیه اسلامی هنوز با آثار ادبیات کهن پهلوی آشنائی داشتند و نفوذ ادبی زبان عربی نیز مانند نفوذ سیاسی دربار عباسی بواسطه دوری راه و علل دیگر هنوز در این ناحیه قابل توجه نبود؛ اصولاً اختلاط زبان فارسی با لغات عربی در نظر شاعران و نویسندگان این دوره زیبا و روان و رسائی افتاد و بین لغات عربی و فارسی بیگانگی و مغایرتی حس میشد و بعکس دوره بعد که لغات و ترکیبات عربی در نظر شاعران و نویسندگان فارسی زبان با لغات و ترکیبات فارسی تفاوتی نداشت و حتی در بسیاری از موارد بآن ترجیح داده میشد در این دوره نویسندگان و شعرای ایران با آنکه اکثر زبان عربی را خوب میدانستند و کتب زیادی باین زبان مینوشتند در نشر و شعر فارسی، حواشی کلام را از ورود الفاظ و لغات عربی محفوظ و مصون میداشتند چنان

پس اگر يك نویسنده بزرگ ایرانی مانند ابوعلی سینا در اواخر قرن چهارم و اوائل قرن پنجم هجری آثار علمی و فلسفی خود را بزبان عربی نوشته باشد بهیچ روی دلیل بیگانگی او از زبان و ملیت و نژاد ایرانی نیست، چنانکه در همین دوره بسیاری دیگر از دانشندان غیر عرب از اقوام و ملل مختلف دیگر هم بودند که آثار علمی خود را بزبان عربی نوشتند و در ایران نیز گذشته از آن دوره که نشر نویسی بزبان فارسی بعالمی که اجمالاً بیان داشتیم در آن معمول نبود، در ادوار بعد هم که این زبان بر اثر کوششها و مجاهدات شعرا و نویسندگان بزرگ وسعت گرفته و توانسته است معانی دشوار علمی را بپذیرد و با کمال سادگی و آسانی بیان کند زبان عربی بواسطه جنبه دینی که داشت هنوز زبان علمی شمرده میشد و گروه کثیری از نویسندگان مسلمان ایرانی و غیر ایرانی آثار خود را باین زبان می نوشتند. بالاتر از این در صرف نحو و معانی و بیان و لغت و ادبیات زبان عربی و تفسیر و حدیث و فقه نیز ایرانیان بودند که مهمترین آثار را بوجود آوردند. نویسندگان بزرگی از قبیل عبدالحمید بن یحیی کاتب و ابن مقفع و ابن عمید و صاحب بن عباد و ابو بکر خوارزمی و بدیع الزمان همدانی و شاعرانی مانند ابونواس و بشار بن برد و امثال آنها همه ایرانی و ایرانی نژاد بودند و بعضی از آنها در اسلوب نظم و شعر عربی تحولی بی سابقه ایجاد کردند و مکتب جدیدی بوجود آوردند که امروز در ادبیات عرب بنام آنها معروف است.

با این مقدمات معلوم شد که بچه علت ابوعلی سینا بیشتر آثار خود را بزبان عربی نوشته است و باجمال بار دیگر یاد آوری میشود: در دوره ای که ابوعلی سینا میزیست تازه نشر نویسی بزبان فارسی معمول شده بود. قبل از این دوره ایرانیان حتی تاریخ و روایات حماسی

که همین ابوعلی سینا که کتاب شفا و قانون و بسیاری دیگر از آثار خود را بزبان عربی نوشته است در تصنیفات فارسی خود میتوان گفت تقریباً لغات عربی بکار برده و ابوریحان بیرونی که کتاب آثارالباقیه و تحقیق ما للهند را بزبان عربی تالیف کرده است در ترجمه فارسی کتاب التفهیم لاوائل صناعة التنجیم حتی اصطلاحات علمی هیئت و نجوم و ریاضی و هندسه را بفارسی تبدیل نموده و ناصر خسرو شاعر و نویسنده معروف قرن پنجم هجری در کتاب زاد المسافرین اصطلاحات فلسفی را بفارسی آورده و فردوسی در

ایضاً و قطعات آن امروز معروف و در زبان مردم رایج است .

امیدواریم اینک که مراسم جشن هزاره او نزدیک است . برای تجلیل و بزرگ داشت مقام این دانشمند شهیر عموم ایرانیان در این جشن شرکت کنند و سهمی داشته باشند و این کار بزرگ را ساده و خرد نیندازند توجه کنید که ملل دیگر چگونه از بزرگان خود در زمان حیات و پس از مرگ قدرشناسی میکنند . این نشانه ملل زنده جهانست . ابوعلی سینا و نظائر او بنیان گذاران فرهنگ و مایه ما هستند ، زبان فارسی که

شاهنامه خود کمتر پیرامون

استعمال لغات عربی گشته است . خلاصه در زبان فارسی قرن چهارم و پنجم لغات عربی معمول نبود و نقل و استعمال اصطلاحات علمی عربی نیز در زبان فارسی بیگانه مینمود و همین امر موجب میآمد که این دانشمندان برای اصطلاحات

دل گرچه در این بادیه بسیار شتافت
 يك موی ندانست ولی موی شکافت
 اندر دل من هزار خورشید بتافت
 آخر بکمال ذره ای راه نیافت
 ابوعلی سینا

استوارترین رکن ازارگان ملیت ما بشمار میرود زنده کرده آنهاست کشور ما از نظر خدمتی که بفرهنگ جهان کرده است در میان کشورهای دیگر موقع و مقامی ممتاز دارد مادر هر يك از ادوار و قرون که پشت سر گذارده ایم دانشمندان و علما و فلاسفه

علمی عربی معادلی بزبان فارسی پیدا نکردند و استعمال کنندگان قبیل مصطلحات با اندازه ای طبیعی و منطبق باروش اصلی زبان فارسی انتخاب شده و بکار رفته است که امروز هم در مقابل آن اصطلاحات عربی بهتر از این نمی آید بزبان فارسی نمیتوان یافت . باری مقصود اینست که ابوعلی سینا گذشته از جنبه علمی و فلسفی که مایه افتخار ایران و جهانست بزبان فارسی نیز خدمتی بزرگ کرده و آثاری که بشر فارسی برداخته است در شمار فصیح ترین آثار شرق قدیم فارسی بشمار میرود . میتوان گفت که جاده زبان فارسی را برای قبول معانی علمی و فلسفی نخست ابوعلی سینا کوفته و هموار کرده است . ابوعلی سینا اشعاری نیز بزبان فارسی دارد که بعضی از

و اعلیای و ادبای بزرگی داشته ایم که امروز مایه سربلندی و افتخار جهان تمدنند و ابوعلی سینا یکی از ستارگان قدر اول آسمان فرهنگ و تمدن ماست . جشن هزاره او که در پیش است فرصت بسیار مناسبی خواهد بود که در طی آن ایرانیان وطن پرست و علاقه مند با این آب و خاک مجال آن دارند تا قسمتی از دین خود را بگذشتگان خویش ادا کنند و سهمی از وظیفه ملی خود را انجام دهند و با شرکت عملی در این جشن ثابت کنند که ایرانیان برای بزرگ داشت و تجلیل دانشمندان و مفاخر علمی و ادبی خود از دیگران اولی و احقند و در این راه هیچ نکته و دقیقه ای را از نظر دور نمی دارند .

با اندیشه نیک ، با راستی و درستی ، با کردار و گفتار و آئین نیک
 مامیخواهیم بتو نزدیک شویم .

هفتین یشت بزرگ یسنای ۳۶ - فقرة ۴